

الله»، بلکه کلیه طیف درون مرزی «اصلاح گرایان» در مقابل «براندازی» رژیم تا آخرین قوا خواهند ایستاد. زیرا، «حفظ وضعیت موجود» بهر بها، برای کسانی که منافع مادی در جامعه دارند حیاتی است. سرمایه داران تجاری ایران در حفظ چنین رژیمی ذینفع بوده و رژیم نیز به وظایف خود به مثابه نماینده سرمایه داران وفادار مانده است. سرمایه داران برونو مرزی نیز پس از سالها انتظار و بلا تکلیفی، عاقبت به «جامعه مدنی» خاتمی تن داده و در آن بخش از هیئت حاکم روزنه ای برای امیدهای از دست یافته خود، می بینند. از این رو آنها نیز به جبهه «اصلاح طلبان» پیوسته اند.

از سوی دیگر، در مقابل باندهای هیئت حاکم، نیروهای «گریز از مرکز» شکل گرفته اند. این گرایش های اجتماعی، همان نیروهای «مستقل» از جناحهای هیئت حاکم هستند. نیروهایی که خاتمی در سخنرانی اخیر خود آنها را یک لبه «قیچی خطرناک» که «نقی جمهوری اسلامی» را هدف قرار داده اند، معرفی کرد. این قشرهای اجتماعی، گرچه از سازماندهی تشکیلاتی، امکانات مادی، یکپارچگی، تجربه و چشم انداز روشن سیاسی برخوردار نیستند، اما در «عمل» مبارزاتی آگاهانه و یا ناآگاهانه، با تشکیل یک «جبهه سوم»، در مقابل «اصلاح گرایان» و «تمامیت خواهان» قد علم کرده، و پایه های رژیم را به لرزه انداخته اند. این قشرهای اجتماعی (دانشجویان دانشگاهها، زنان و کارگران جوان) گرچه، هم اکنون، مجهز به یک برنامه مشخص انقلابی و شعار محوری «براندازی» رژیم نمی باشند، اما، بالقوه منطق مبارزه شان، آنها را به چنین سمت و سویی سوق می دهد. این قشرهای ناراضی اجتماعی، در عمل در می یابند که «اصلاح گرایان» همان «تمامیت خواهان» بوده، و «تمامیت خواهان» همان

## «براندازی» یا

### «حفظ وضعیت موجود»؟

م. رازی

Razi@kargar.org

در وضعیت کنونی، با تعمیق بحران اجتماعی و سیاسی در جامعه، و شکاف ها میان باندهای مختلف در درون هیئت حاکم، بحث پیرامون «براندازی» رژیم و بدیلهای حکومتی در دستور روز قرار گرفته است. در درون ایران، عمدتاً دو جبهه حول مسئله براندازی وجود دارد. از یک سو، نیروهای متشكل و سازمانیافته ای وفادار به «قانون اساسی» جمهوری اسلامی و ولایت فقیه، براندازی رژیم را خلاف دین و شرع قلمداد کرده و مردم را از عواقب مغرب آن بر هزار می دارند. در این برخورد، هر دو باند هیئت حاکم با یکدیگر مشترک هستند. خاتمی در سخنرانی اخیر خود اعلام کرد که: «خواست و مطالبه روشن و بیان شده ملت در فرمول جمهوری اسلامی تجلی پیدا کرده است و اگر خطری متوجه نظام و جامعه باشد، تهدید این خواست تبلور یافته است (سخنرانی اخیر خاتمی به مناسبت بازگشایی دانشگاهها، ۴ مهر). باندهای مختلف رژیم بارها با صراحة نشان داده اند که چنانچه «نظام» به هر علت به مخاطره افتاد، حاضرند کلیه اختلافهای درونی را کنار گذاشته و متعددأ به حمایت از «جمهوری اسلامی» بپا خیزند. حمله «متعدانه» باندهای رژیم علیه قیام کارگران در اسلام شهر، و دانشجویان در دانشگاههای تهران و تبریز، نمایانگر اینست که نه تنها نیروهای «حزب

منطبق با آگاهی فعلی حرکت کرد؟ چه تشکیلاتی و ساختاری منطبق با وضعیت موجود بایستی بوجود آورد که امر انقلاب آتی را تسهیل بخشد؟ به جای پاسخ به این نکات اساسی آنها به یک سلسله کلی گویی‌ها و خرده کاری‌ها بی ارتباط و نهايتأً دعوت همگان به پيوستان به «حزب» و «سازمان» شان بستنده می‌کنند! بدیهی است که چنین روشی از برخورد، نه تنها هیچ کمکی به تقویت «جبهه سوم» نمی‌کند که آنها را به سرعت نا امید خواهد کرد. نیروهای پیشرو و مبارز در ایران، هم اکنون، تحت فشار برخوردهای فیزیکی «حزب الله» و تبلیغاتی «اصلاح طلبان»، خواهان یافتن راه حل‌های واقعی در راستای تدارک خود برای انقلاب هستند، و نه پيوستان به «حزب»‌ها و «سازمان»‌های من درآورده بدون ارتباط به مسائل ایران. نقش عناصر آگاه انقلابی کمک رسانی و تقویت جوانان پیشروی ایران در راستای تشکیل یک حزب مرتبط به ایران است، و نه تحمیل حزبهای قلابی خارج از کشوری به آنها.

دوم، گرایش‌های «فرصت طلب»‌ی که همواره توجه اخص خود را به تحولات درونی رژیم معطوف داشته، تا از درون تناقض‌های هیئت حاکم، به زعم خود، با «رادیکال» ترین آنها ارتباط برقرار کرده و در اتحاد با آنها به امر سازماندهی انقلاب به پردازند. غافل از اینکه حتی رادیکالترين جناح‌های هیئت حاکم در نهايتأت با ارتیاع ترین جناح، در مقابل حرکت‌های مردمی و جنبش کارگری وحدت خواهد کرد. این گرایش‌ها، ظاهراً هیچ درسی از انقلاب اخیر ایران نگرفته‌اند (درس‌های و تجارب تاریخی سایر کشورهای جهان پیش کش). این گرایش‌ها همانهایی بودند که از «روحانیت مبارز» به اصطلاح ضد امپریالیست حمایت کردند. اینها همانهایی هستند که

«اصلاح طلبان»‌اند و اینکه اختلاف میان آنها تنها تزئینی و ظاهری است.

البته، وجود چنین حرکتها مستقل در جامعه به خودی خود منجر به «براندازی» نمی‌گردد. در صورت نبود یک تشکیلات سراسری سیاسی و نبود کارگران پیشرو در صحنه، رژیم می‌تواند (با کمک امپریالیزم و حامیان برون و درون مرزی خود، نهايتأً مسائل را تعییل داده و روند براندازی را موقتاً متوقف کند).

### سازماندهی «جبهه سوم» برای تدارک انقلاب

در چنین وضعیتی، نقش نیروهای انقلابی، مرتبط کردن خود به «جبهه مستقل» مردمی و تقویت آن است.

در درون «اپوزیسیون چپ» همواره دو انحراف در برخورد به وقایع اخیر ایران به ویژه پس از انتخابات خاتمی، طرح بوده است.

اول، گرایشهای «فرقه گرا» ای که خود را کاملاً جدا از تحولات پنداشته و همه چیز را یک توطئه و بی ارتباط به مسائل جنبش کارگری می‌دانند. برای این عده امر دخالتگری در تحولات اخیر ایران کاملاً بی مورد بوده، زیرا بر تئوری‌های پیش ساخته آنها منطبق نمی‌باشد. اینها تبلیغات خود را تنها به یک سلسله شعارهای کلی خلاصه می‌کنند. این نیروها درک نمی‌کنند که تنها اکتفا کردن به شعارهای «مرگ بر جمهوری اسلامی» و «زنده باد جمهوری سوسیالیستی» بدون در نظر گرفتن حرکتها عینی در جامعه کافی نیست. این نیروها باید بتوانند پاسخ دهند که حلقه رابط بین وضعیت کنونی و آگاهی فعلی مردم ایران و تشکیل یک حکومت شواربی و کارگری چیست؟ چگونه می‌توان از مطالبات کنونی

حاکم به دل راه داد. بدیهی است که تنها و استوار ترین شکل براندازی ریشه ای رژیم و تشکیل یک حکومت کارگری، می تواند با ایجاد سوراهای کارگری صورت پذیرد. نیروهای سوسیالیست انقلابی در هیچ حکومتی که کارگران نقش تعیین کننده در آن نداشته باشند، شرکت نمی کنند. تنها رژیم پاسخ دهنده به مسایل جامعه همانا حکومت شورایی است، که عالی ترین و دمکراتیک ترین شکل حکومتی خواهد بود که تاریخ بخود دیده است.

اما، در وضعیت کنونی که چنین سوراهایی شکل نگرفته و حزب پیشتاز انقلابی هنوز به ثمر نرسیده است، سوسیالیستهای انقلابی خواهان سرنگونی رژیم و تشکیل «مجلس مؤسسان دمکراتیک و انقلابی» اند. مجلس مؤسسانی که هیچ ارگان و سازمان و فردی را بالای سر خود نپذیرفته و توسط نیروهای مسلح توده ای نظارت شده و توسط نمایندگان واقعی مردم با رأی مستقیم، همگانی، مخفی و آزاد تشکیل گردد. این مجلس در راستای تدوین قانون اساسی و حکومت آتی اقدام خواهد کرد. نقش سوسیالیستهای انقلابی در این مجلس مبارزه برای تشکیل یک حکومت کارگری، خواهد بود.

در خارج از کشور، تشکیل کمیته های همبستگی با تشكل های مستقل کارکران، می تواند ارتباط بین کارگران ایران و سایر نیروهای متρقی بین المللی را ایجاد کرده و مبارزات این قشر را در ایران تسهیل دهد.

۶ مهر ۱۳۷۹

از سایت جدید زیر دیدن کنید:  
<http://www.kargar.org>

در هر مقطع ۲۰ سال اخیر همواره خود رابه جناح های درون رژیم مرتبط کرده اند. آنها هنوز از تجارب تلخ خود درس فرا نگرفته و همان روش سابق را ادامه می دهند.

در مقابل این دو انحراف، نیروهای سوسیالیست انقلابی فعالیت خود را در پیوند با مسایل و مطالبات عینی قشرهای پیشروی جامعه سازمان می دهند. به جای قیم مآبی و اعلام حزب و تشکیلات از بالا، همراه با پیشروان انقلابی به چنین نهادی می رسند. تجربه چند ماهه جوانان پیشرو نشان داد که یکی از مطالبات محوری آنها ایجاد تشكل های مستقل است. تشكل هایی که قادر است اکثر نیروهایی گریز از مرکز را سازمان داده و مبارزات ضد استبدادی آنها را به مبارزه ضد سرمایه داری مبدل سازد.

ایجاد هسته های سوسیالیستی و هماهنگی آنها می تواند زمینه را برای سازماندهی تشكل های مستقل جوانان آماده سازد. تنها با سازماندهی هسته سوسیالیستی از پائین است که می توان به پیشبرد سازماندهی جوانان امیدوار بود. یکی از وظایف اصلی هسته های سوسیالیستی در ایران یافتن روش هایی برای پیوند دادن سازماندهی جوانان با سازماندهی کارگری است.

در ایران در طی دو دهه پیش محافل کارگری شکل گرفته و فعالیتهای، هر چند پراکنده، اما عمیقی در جامعه صورت داده اند. برقراری پیوند میان محافل کارگری و محافل جوانان از کانال هسته های سوسیالیستی، می تواند همچنان زمینه را برای ایجاد نطفه های اولیه یک حزب پیشتار انقلابی فراهم آورد. از زاویه مسایل سیاسی و شعارهای محوری کنونی، نه می توان تنها اعلام کرد که رژیم باید سرنگون شود! و نه می توان توهمنی نسبت به جناح های هیئت